****

[فرع: حکم کسی که اگر به عرفات برود ، خوف دارد وقوف در مشعر قبل الطلوع را درک نکند 1](#_Toc488764371)

[مقتضای روایات 1](#_Toc488764372)

[(مسألة 370): حکم افاضه از عرفات قبل از غروب شمس 4](#_Toc488764373)

[کلام محقق خوئی ره 5](#_Toc488764374)

[کلام صاحب حدائق ره 5](#_Toc488764375)

[مناقشه در کلام صاحب حدائق ره 5](#_Toc488764376)

[بررسی کلام محقق خوئی ره 6](#_Toc488764377)

**موضوع**: احکام وقوف /وقوف به عرفات /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## فرع: حکم کسی که اگر به عرفات برود ، خوف دارد وقوف در مشعر قبل الطلوع را درک نکند

مطلب دوم: این که اگر کسی خوف دارد که اگر به عرفات برود، شاید وقوف به مشعر را قبل از طلوع شمس درک نکند، چه باید بکند؟

علی القاعده استصحاب بقاء لیل می شود، مگر این که زمان مانده تا طلوع شمس را بداند، مثلا می داند یک ساعت بیشتر نمانده و شک دارد که می تواند به مشعر خود را برساند یا نه، در این جا استصحاب عدم ادراک مشعر قبل از طلوع آفتاب می شود.

### مقتضای روایات

اما مقتضای روایت کدام است؟

صحیحه حلبی حکم را بر روی واقع برده، ان کان فی مهل، یعنی ان کان فی سعة وقت فیقف بعرفات، اما صحیحه معاویة بن عمار در ابتداء، معیار را ان ظن بیان کرده، در برخی روایات هم تعبیر به خشی شده است، یعنی اگر بترسد از نرسیدن به عرفات، لذا باید دید معیار کدام است؟

صحیحه معاویة بن عمار: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ: فِي رَجُلٍ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَ هُوَ بِجَمْعٍ- فَقَالَ إِنْ ظَنَّ أَنَّهُ يَأْتِي عَرَفَاتٍ فَيَقِفُ بِهَا قَلِيلًا- ثُمَّ يُدْرِكُ جَمْعاً قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَلْيَأْتِهَا- وَ إِنْ ظَنَّ أَنَّهُ لَا يَأْتِيهَا حَتَّى يُفِيضُوا فَلَا يَأْتِهَا- وَ لْيُقِمْ بِجَمْعٍ فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ.[[1]](#footnote-1)

صحیحه حلبی: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي بَعْدَ مَا- يُفِيضُ النَّاسُ مِنْ عَرَفَاتٍ- فَقَالَ إِنْ كَانَ فِي مَهْلٍ- حَتَّى يَأْتِيَ عَرَفَاتٍ مِنْ لَيْلَتِهِ فَيَقِفَ بِهَا- ثُمَّ يُفِيضَ فَيُدْرِكَ النَّاسَ فِي الْمَشْعَرِ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا- فَلَا يَتِمُّ حَجُّهُ حَتَّى يَأْتِيَ عَرَفَاتٍ- وَ إِنْ قَدِمَ رَجُلٌ وَ قَدْ فَاتَتْهُ عَرَفَاتٌ- فَلْيَقِفْ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ- فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْذَرُ لِعَبْدِهِ- فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ إِذَا أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ- قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ أَنْ يُفِيضَ النَّاسُ- فَإِنْ لَمْ يُدْرِكِ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ- فَقَدْ فَاتَهُ الْحَجُّ فَلْيَجْعَلْهَا عُمْرَةً مُفْرَدَةً- وَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ[[2]](#footnote-2).

وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدٍ بنْ سَهْلٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ أَدْرَكَ النَّاسَ بِجَمْعٍ- وَ خَشِيَ إِنْ مَضَى إِلَى عَرَفَاتٍ- أَنْ يُفِيضَ النَّاسُ مِنْ جَمْعٍ قَبْلَ أَنْ يُدْرِكَهَا‌ - فَقَالَ إِنْ ظَنَّ أَنْ يُدْرِكَ النَّاسَ بِجَمْعٍ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ- فَلْيَأْتِ عَرَفَاتٍ فَإِنْ خَشِيَ أَنْ لَا يُدْرِكَ جَمْعاً- فَلْيَقِفْ بِجَمْعٍ ثُمَّ لْيُفِضْ مَعَ النَّاسِ فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ.[[3]](#footnote-3)

البته سند روایت ادریس بن عبد الله قابل تامل است، محمد بن سهل،  ابن الیسع الاشعری القمی است که توثیق نشده است، البته راوی کتاب وی، احمد بن محمد بن عیسی است و بنا بر نظر برخی مثل آیت الله زنجانی، از این راه اثبات وثاقت می شود، چون راوی کتاب او جلیل القدر است، خصوصا احمد بن محمد بن عیسی که در نقل حدیث از دیگران سختگیر بود، پدر وی، سهل بن الیسع است که نجاشی وی را توثیق کرده،

پس یک خبر موضوع را واقع سعة الوقت می داند و دیگری ظن به سعه وقت می داند و دیگری عدم خوف ضیق وقت، به نظر ما ظن به سعه وقت و عدم خوف ضیق وقت، عرفا یکی است، یعنی صحیحه معاویة بن عمار با روایت ادریس بن عبد الله، عرفا یک مطلب بیان می کنند، یعنی ملاک، وثوق رسیدن به وقوف به مشعر بعد از وقوف اضطراری به عرفات است، کسی که وثوق دارد، طبعا خوف هم ندارد و کسی که وثوق ندارد، طبعا خوف هم دارد، لذا موضوع دو روایت یکی است و شاهد آن این است که در صدر روایت ادریس بن عبد الله نیز کلمه ظن بکار رفته و بعد در مقابل ظن به ادراک، خشی ان لایدرک بکار رفته است و موید این است که مقصود، وثوق به ادراک مشعر بعد از وقوف به عرفات است.

ولی بحث در این است که صحیحه حلبی موضوع را بر روی واقع سعه وقت برده است، بر خلاف صحیحه معاویة بن عمار و روایت ادریس بن عبد الله که موضوع را خوف و ظن قرار داده، و باید دید مقتضای جمع عرفی کدام است؟

این بحث در صوم، وضوی جبیره و امثال آن نیز مطرح است، مثلا در صوم آیه شریفه فرموده مریض افطار کند، اما روایت گفته کسی که خوف ضرر دارد، افطار کند و نسبت این دو عموم من وجه است، بعید نیست چنان که محقق خوئی فرموده، مقتضای جمع عرفی این باشد که موضوع حکم واقعی، واقع الضرر و موضوع حکم ظاهری، خوف الضرر باشد و لذا اگر کسی با حالت خوف، رجاء روزه گرفت و معلوم شد که مریض نبوده، روزه­اش صحیح است.

البته یک احتمال نیز جمع اوی است، یعنی واقع الضرر یا خوف الضرر کافی در وجوب افطار باشد، و البته اگر خوف ضرر نداشته باشد، ولی واقعا روزه ضرر داشته باشد، نتیجه اش بطلان صوم است، کما این که اگر خوف ضرر باشد، اما وضو بگیرد و واقعا مضر نباشد، روزه او باطل است.

و لکن استظهار ما بر خلاف این احتمال است، کما این که احتمال جمع واوی نیز خلاف ظاهر است، یعنی این که بگوییم هم باید واقع الضرر باشد و هم خوف آن تا وظیفه، افطار باشد.

در ما نحن فیه نیز قضیه از همین قرار است، یک دلیل می گوید ان کان فی مهل و دیگری می گوید ان کان یظن، اگر واقعا مهلت دارد، حج او صحیح است، حتی اگر با حال خوف از فوت وقوف مشعر، وقوف اضطراری لیلی به عرفات کند، گرچه نباید با حال خوف برود و لکن چون واقع مهلت بوده، حج او صحیح است، لذا موضوع حکم واقعی، واقع مهلت است و لکن ظن و خوف، طریق است.

## (مسألة 370): حکم افاضه از عرفات قبل از غروب شمس

**تحرم الافاضة من عرفات قبل غروب الشمس عالما عامدا، لكنها لا تفسد الحج، فاذا ندم و رجع الى عرفات فلا شي‌ء عليه، و إلا كانت عليه كفارة بدنة ينحرها في منى، فان لم يتمكن منها صام ثمانية عشر يوما متواليات. و يجري هذا الحكم في من أفاض من عرفات نسيانا أو جهلا منه بالحكم فيجب عليه الرجوع بعد العلم أو التذكر فان لم يرجع حينئذ فعليه الكفارة على الأحوط**[[4]](#footnote-4).

افاضه از عرفات قبل از غروب شمس، حتی عامدا، حج را باطل نمی کند و نهایتا کفاره بدنه دارد، به دلیل صحیحه مسمع: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ أَفَاضَ مِنْ عَرَفَاتٍ قَبْلَ غُرُوبِ الشَّمْسِ- قَالَ إِنْ كَانَ جَاهِلًا فَلَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهِ- وَ إِنْ كَانَ مُتَعَمِّداً فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ[[5]](#footnote-5).

حج او صحیح است، زیرا در فرض تعمد حکم به حج من قابل نشده است.

ان قلت: حرمت افاضه از کجا استفاده می شود، از وجوب کفاره که استفاده نمی شود، بعد از این که وجوب کفاره اعم از حرمت است.

قلت: متعلق جاهلا و متعمدا در روایت محذوف است و ظاهر این است که متعلق آن حرمت است و در واقع بحث حرمت افاضه قبل از غروب آفتاب در همین روایت مطرح شده است.

علاوه بر این که ما در خصوص کفارات احرام، قائل به ملازمه کفاره با حرمت فعل در حال اختیار هستیم.

### کلام محقق خوئی ره

ایشان فرموده ما از این روایات استفاده می کنیم که وقوف تا غروب آفتاب در عرفات واجب است، اما اگر زودتر خارج شد، دو صورت دارد، صورت اول، خروجی است که قصد عود نداشته باشد، و صورت دوم این است که قصد رجوع قبل از غروب آفتاب داشته باشد.

در صورت اول که قصد رجوع ندارد، اگر جاهلا افاضه کرده باشد، کفاره ندارد، به سبب معتبره مسمع، و همچنین در فرض نسیان.

### کلام صاحب حدائق ره

صاحب حدائق بر خلاف مشهور گفته افاضه از عرفات نسیانا کفاره دارد، چون روایت فقط در فرض جهل به حکم، به عدم وجوب کفاره حکم کرده، ولی نسیان مسبوق به علم و اشد از جهل است، بر خلاف جهل که مسبوق به علم نیست، کما این که نماز در ثوب نجس نسیانا باطل است، بر خلاف نماز در ثوب نجس عن جهل و نمی شود از حکم جاهل به حکم ناسی تعدی نمود؛

### مناقشه در کلام صاحب حدائق ره

اما کلام صاحب حدائق ناتمام است، زیرا؛

اولا: ظاهر صحیحه مسمع این است که ملاک وجوب کفاره، تعمد افاضه از عرفات قبل از غروب است و رفع کفاره نیز به ملاک عذر است، عذر ناسی نیز اوضح از عذر جاهل است، زیرا جاهل بسیط، امکان احتیاط دارد و رفع حکم از او، رفع ظاهری است، بر خلاف ناسی که امکان احتیاط ندارد و رفع حکم از او، رفع واقعی است و لذا اولی به نفی وجوب کفاره است.

و ثانیا: رفع النسیان، وجوب کفاره بر ناسی را رفع می کند.

#### بررسی کلام محقق خوئی ره

اصل این مدعی که ایشان در مقابل صاحب حدائق فرمود ناسی هم کفاره ندارد، صحیح و موافق نظر مشهور است، اما به نظر ما بهتر این است که در تبیین این حکم گفته شود در این روایت فرض نشده که این شخص، جاهل معذور بوده، بلکه اطلاق دارد و شامل جاهل مقصر هم می شود و قطعا ناسی، به رفع کفاره اولی از جاهلی است که شامل مقصر هم می شود.

این که صاحب حدائق گفته نماز در ثوب نجس نسیانا باطل است، بر خلاف نماز در ثوب نجس جهلا، نیز ناتمام است، زیرا در نماز دلیل خاص داریم، اما ظاهر صحیحه مسمع این است که ناسی معذور است و کفاره ندارد و اولی از جاهل در معذوریت است.

علاوه بر این که در نماز بحث استیفاء ملاک است و نه مساله عقوبت و کفاره، ولی بحث ما در کفاره و عقوبت است، و حتی برخی مثل آیت الله سیستانی که در نماز هم فرموده وجوب اعاده در فرض نسیان از باب عقوبت است، مستند به روایتی که فرموده وجوب اعاده به این جهت است که کی یهتم بالشیء، این حکم را داده است.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج14، ص36، أبواب أن من فاته الوقوف بعرفات...، باب22، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/14/36/بجمع) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص548، أبواب وجوب الوقوف بعرفات...، باب19، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/548/لیلته) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج14، ص37، أبواب أن من فاته الوقوف بعرفات....، باب22، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/14/37/لیفض) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 159](http://lib.eshia.ir/21006/1/156) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص558، أبواب أن من أفاض من عرفات قبل الغروب...، باب23، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/558/رئاب) [↑](#footnote-ref-5)